

## ارزیابی فهم مفسران فریقین از آیات طلاق با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن

فاطمه سادات حسینی\*

DOI: 10.22096/rc.2025.2053105.1238

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸]

### چکیده

با اینکه قوانین خانواده در ایران برگرفته از قرآن و روایات است و در چهل سال گذشته بیش از پیش بر اجرای آنها تأکید شده است، آمار طلاق روزبه‌روز افزایش و آمار ازدواج کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، طبیعی است به این موضوع بیندیشیم که شاید فهم رایج از آیات و روایات ایرادی دارد که چنین نتایجی به دست آمده است. در این مقاله، ابتدا به روش تفسیر موضوعی قرآن با قرآن و با در نظر گرفتن متن قرآن به‌منزله منظومه‌ای دقیق و منسجم، فهمی نو، جامع و فراعصری از آیه ۱ سوره طلاق و آیات ۲۲۹ و ۲۳۰ سوره بقره ارائه شده است؛ فهمی که پذیرش آن برای مؤمنان دوران کنونی نیز دشوار نیست. در این فهم از آیات، هیچ اثری از برخی قوانین طلاق، همچون دادن حق طلاق به مرد، طلاق خلع و سه‌طلاقه کردن دیده نمی‌شود؛ فقط یک نوع طلاق وجود دارد که در دو مرحله انجام می‌شود. مرحله اول: با شروع دوران عدّه، روابطی که با ازدواج حلال شده بود، قطع می‌شود. مرحله دوم: پس از سپری شدن دوران عدّه، جدایی به‌طور کامل انجام می‌شود. سپس، فهم مفسران فریقین از آیات طلاق نقد شده و نشان داده می‌شود که فهم مفسران فریقین از آیات طلاق و در نتیجه قوانین کنونی طلاق ریشه قرآنی ندارد.

**واژگان کلیدی:** انسجام متن؛ بقره: ۲۲۹-۲۳۰؛ تفسیر موضوعی قرآن با قرآن؛ طلاق: ۱؛ قرآن به‌منزله یک متن؛ قوانین طلاق؛ نظم شبکه‌ای.

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ریاضی محض از دانشگاه شیراز، پژوهشگر مستقل، مشهد، ایران.



## ۱. مقدمه

در ضرورت بازنگری قوانین خانواده می‌توان گفت: «گذار به مدرنیته، نابسامانی‌های مختلفی به همراه آورده است. زنان و مردان بعضاً دارای خواسته‌های خاص خود هستند که این خواسته‌ها در تناقض با فرهنگ سنتی خانواده‌ها قرار گرفته و تنش بین اعضای خانواده‌ها را افزایش می‌دهد. از این رو، بی‌پایه نیست اگر ادعا کنیم بازنگری در باورها و برساخت بهینه محیط اجتماعی از آغاز تولد افراد تا دوران کودکی و بزرگسالی می‌تواند به کاهش طلاق و استحکام خانواده‌ها منجر گردد»<sup>۱</sup>.

کاهش آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد سیاست‌هایی که تاکنون در ارتباط با قوانین خانواده اعمال شده است و نگاهی که به خانواده در ایران امروز می‌شود، نگاه درستی نیست. به جرئت می‌توان گفت حتماً جایی از کار می‌لنگد که چنین آمار داریم. اگر برایمان حفظ بنیان خانواده مهم است؛ اگر به خانواده مقدس باور داریم، لازم است به بازنگری جدی در قوانین خانواده بها دهیم و این بازنگری، جدی نخواهد شد مگر با بازنگری در پایه‌های قوانین که همان فهم ما از آیات و روایات است.

اگرچه قوانین طلاق، همچون دادن حق طلاق به مرد، سه‌طلاقه کردن و طلاق خلع، همگی ریشه در روایات دارند، در نظریات رایج تفسیری، از نظر ریشه قرآنی، به آیات ۲۲۸ تا ۲۳۲ سوره بقره، به‌ویژه آیات ۲۲۹ و ۲۳۰ منسوب شده‌اند. مهم‌ترین ایرادی که با روش تفسیری این مقاله، به نظریات رایج تفسیری وارد است، تناقض با این اصل است که قرآن باید در دلالت خود مستقل باشد.

از آنجاکه در این مقاله، قوانین به‌دست‌آمده درباره طلاق، با نظریات رایج تفسیری تفاوت اساسی دارد، ابتدا فهم نویسنده از کلیت آیات طلاق بیان می‌شود تا خواننده محترم را مطمئن سازد که این آیات بدون روایات نیز قابل فهم است. سپس کلیت دیدگاه تفاسیر شیعه و سنی که مبنای آنها روایات است، بیان شده و سپس، در سه مرحله نقد می‌شود. در مرحله اول، نشان می‌دهیم که فهم رایج مفسران وابستگی شدیدی به روایات داشته و از قرآن به‌تثابتهایی قابل استخراج نیست. در ادامه، ترجمه فولادوند که مبنای آن نظریات رایج تفسیری است، نقد می‌شود تا مشخص شود، پذیرش این فهم چه تناقضاتی با پذیرش فرضیه استقلال متن قرآن به

۱. منصوره زارعان، «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت‌شده در دهه اخیر)»، پژوهش‌های مشاوره ۱۶، شماره ۶۱ (بهار ۱۳۹۶): ۱۳۴.

ارزیابی فهم مفسران فریقین از آیات طلاق با تأکید بر ... / حسینی ۱۴۳

وجود می‌آورد. در سومین مرحله، با ارائه برهان‌هایی، دلایل قرآنی مفسران برای دادن حق طلاق به مرد، رد می‌شود.

با توجه به جدید بودن روش مقاله، توجه به نکات زیر مفید خواهد بود:

الف: از آنجا که صاحب این قلم به قرآن به منزله یک متن منسجم، دارای نظم شبکه‌ای و فراعصری می‌نگرد، از خواننده محترم خواهشمند است هنگام مطالعه مقاله، هر آنچه درباره آیات طلاق، در کتاب‌های تفسیر، مقالات و ... شنیده و خوانده است، نادیده بگیرد و به قرآن، فقط در جایگاه یک متن بنگرد؛ متنی که خداوند در آن مدعی شده است که برای هدایت جهانیان، در همه زمان‌ها نازل شده است. به دیگر سخن، با ذهن خالی از پیش‌داوری درباره مفهوم آیات، به مطالعه مقاله بپردازد.

ب: قرآنی که خودش را راهنما و روشنی‌بخش همه چیز معرفی نموده است و در اعجاز، فصاحت و بلاغت آن سخن‌ها رفته است، نباید برای فهم و روشن شدنش به هیچ منبعی وابسته باشد. از این رو، استفاده نکردن از روایات در فهم قرآن، دلیل بر ارزشمند دانستن آنها نیست؛ روایات و دیگر علوم بشری، در جای خود استفاده خواهد شد.

## ۲. پیشینه

با توجه به جدید بودن روش تفسیری، لازم است پیشینه پژوهشی روش تفسیری نگارنده نیز ارائه شود. برای دیدن پیشینه روش تفسیری، مقاله «ارزیابی جواز قرآنی ازدواج موقت در آرای تفسیری فریقین»<sup>۲</sup> را ببینید. اکنون پیشینه نظریات تفسیری پیرامون آیات طلاق بیان می‌شود.

در موضوع طلاق پژوهش‌های بسیاری انجام شده است، اما بیشتر این پژوهش‌ها، رویکرد جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اخلاقی یا فقهی دارند. در باب طلاق، مقالات و پایان‌نامه‌هایی با رویکرد حقوقی نیز، فراوان است؛ اما بیشتر این مقالات نیز، به تحلیل جزئیات یا اقناع دیگران برای اعتبار شرعی قوانین موجود پرداخته‌اند. در بررسی انجام‌شده، تنها مقاله‌ای که به کلیت قوانین طلاق پرداخته است، مقاله «سوءاستفاده از حق طلاق و

۲. فاطمه سادات حسینی و بی‌بی زهرا حسینی جهان‌آباد، «ارزیابی جواز قرآنی ازدواج موقت در آرای تفسیری فریقین؛ با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن»، دین و دنیای معاصر ۱۰، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۲): ۶۹-۷۸.

راهکارهای قانونی مقابله با آن<sup>۲</sup> است که با نگاهی حقوقی، به سوء استفاده مردان از حق طلاق پرداخته است.

جای بسی تأمل است که با وجود آنکه طلاق از موضوعاتی است که قرآن بسیار مفصل به آن پرداخته است، ولی در میان پژوهش‌های انجام شده جای پژوهش‌های حقوقی قرآن‌محور بسیار خالی است. گفتنی است برخی پژوهش‌های قرآنی با رویکرد اخلاقی انجام شده است؛ مثلاً پژوهش احسان فدایی<sup>۳</sup> و همینطور مقاله فهیمه گرجی و مجید معارف<sup>۴</sup>.

ولی در شرایطی که قوانین طلاق، همچون دادن حق طلاق به مرد و طلاق خلع از اعتراض‌آمیزترین قوانینی است که پیرامون حقوق زنان وجود دارد، چنین پژوهش‌هایی پاسخگوی نیاز جامعه نیستند، اگرچه می‌توانند مکمل پژوهش‌های حقوقی قرآن‌محور باشند. بدیهی است وقتی در جامعه‌ای افراد زیادی قانونی را ظالمانه بدانند، نمی‌توان از افراد آن جامعه توقع داشت، به سفارش‌های اخلاقی کسی که آن قوانین بدو منسوب شده است، گوش فرادهند.

گفتنی است در سالیان گذشته، برخی مقالات با تمرکز بر ظرافت‌های بیانی آیات طلاق، نگاهی کلی به آیات طلاق داشته‌اند که از این قرارند:

«حدود و مرزهای روان‌شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتمل بر واژه حدودالله».<sup>۵</sup>

«مسئله طلاق با بیان ظرائف بلاغی اسالیب شرط در قرآن کریم»؛<sup>۶</sup>

«مطالعه زبان‌شناختی تعبیر قرآنی سراحاً جمیلاً»؛<sup>۷</sup>

«چالش (نا) برابری جنسیتی در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از

۳. منیره خدادادپور و احمد دیلمی، «سوء استفاده از حق طلاق و راهکارهای قانونی مقابله با آن»، *خانواده‌پژوهی*، ۵، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۸): ۷۳-۹۲.

۴. احسان فدایی، «بررسی تحلیلی الگوی رفتارهای پیشنهادی قرآن در موضوع طلاق»، *پاسخ*، ۴، شماره ۱۶ (اسفند ۱۳۹۸): ۱۳۵-۱۶۰.

۵. فهیمه گرجی و مجید معارف، «جهت‌گیری‌های اخلاقی آیات طلاق در قرآن»، *پژوهش‌دینی*، ۱۹، شماره ۴۰ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۱۷۷-۲۰۵.

۶. حمدالله جعفرپور، علی رضایی کهنمونی و محمدعلی ربی‌پور، «مسئله طلاق با بیان ظرائف بلاغی اسالیب شرط در قرآن کریم»، *زن و مطالعات خانواده*، ۱۵، شماره ۵۸ (زمستان ۱۴۰۱): ۷-۲۵.

۷. جعفرپور، رضایی کهنمونی و ربی‌پور، «مسئله طلاق با بیان ظرائف بلاغی اسالیب شرط در قرآن کریم»، ۷-۲۵.

۸. محمود مکوند و باقر عباسی فرد، «مطالعه زبان‌شناختی تعبیر قرآنی سراحاً جمیلاً»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲۰، شماره ۳ (پاییز ۱۴۰۲): ۱۶۶-۱۹۲.

ارزیابی فهم مفسران فریقین از آیات طلاق با تأکید بر ... / حسینی ۱۴۵

«لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» با رویکرد تفسیر تطبیقی»<sup>۹</sup>.

همچنین، پژوهش قرآن‌محور دیگری که به کلیت قوانین طلاق پرداخته است، مقاله زیر است:

«ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق؛ در سه حوزه اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی»<sup>۱۰</sup>.

در چکیده این مقاله آمده است:

«مسئله طلاق از اهم مسائلی است که باید بر مبنای اصل (إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسَّرُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ) در همه لایه‌ها و جهات ارتباطی آیات مورد بازبینی قرار گیرد».

در مقاله پیش رو، نگارنده تلاش نموده است که در چنین مسیری گام بردارد و از قرآن اصولی استخراج کند که بتواند به‌مثابه پایه‌ای برای قوانین حقوقی طلاق به کار آید.

یادآوری می‌شود که کتاب شخصیت و حقوق زن در اسلام<sup>۱۱</sup> به سبب نگاه انتقادی به فهم مفسران از آیات و همچنین روایات طلاق، در یافته‌های این مقاله اثر جدی داشته است. همچنین، مقاله «اثبات حق طلاق زنان در قرآن و توضیح معنای الطَّلَاقِ مَرَّتَانِ»<sup>۱۲</sup> به سبب ترجمه جدیدش برای الطَّلَاقِ مَرَّتَانِ در یافته‌های این مقاله، تأثیر جدی داشته است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

با بیانی ساده، فرآیند انجام پژوهش بدین گونه است که ابتدا همه آیات مرتبط به موضوع مورد نظر را از قرآن استخراج و دسته‌بندی می‌کنیم. سپس بدون سندیت دادن به هیچ منبعی، جز متن قرآن و با این پیش‌فرض که متن قرآن به اندازه ساختارهای ریاضی دقیق است و همچنین، بین بخش‌های گوناگون آن، چون واژه، آیه، سوره و کلیت متن قرآن، ارتباطات فراوانی وجود دارد، به فهم قرآن می‌پردازیم. می‌توان گفت نگارنده برای فهم قرآن به چهارده

۹. محمدحسن شیرزاد، «چالش (نا) برابری جنسیتی در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از «لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» با رویکرد تفسیر تطبیقی»، مطالعات تفسیر تطبیقی، ۹، شماره ۱۷ (شهریور ۱۴۰۳): ۱۲۲-۱۴۵.

۱۰. مهدیه سادات مستقیمی، «ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق؛ در سه حوزه اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۱، شماره ۴۳ (بهار ۱۳۸۸): ۹۳-۱۲۴.

۱۱. مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰)، ۴۳-۴۶۲.

۱۲. نیما حق‌پور، «اثبات حق طلاق زنان در قرآن و توضیح معنای الطَّلَاقِ مَرَّتَانِ»، <http://www.3danet.ir>، ۱۳۹۵.

اصل پایبند است. برای دیدن این اصول، مقاله «بازخوانی و تأویل آیات شهادت (گواهی)»<sup>۱۳</sup> را ببینید.

به اختصار، می‌توان گفت مهم‌ترین اصلی که در نتایج این مقاله تأثیر داشته است، فرضیه مورد قبول علامه طباطبایی است: «قرآن کریم به‌تنهایی و بدون مراجعه به منبع دیگری، حتی روایات معصومان، قابل فهم است و بیانات قرآنی در رساندن پیام خویش گویا و رسا هستند و با تدبر و مراجعه به خود قرآن قابل فهم و تفسیر و بی‌نیاز از غیر است. به دیگر سخن، قرآن در بیان مقاصد خویش، دلالت استقلالی دارد».<sup>۱۴</sup>

#### ۴. ارائه فهمی نو و قرآن‌محور از آیات طلاق

هفت گروه از آیات که به موضوع طلاق پرداخته‌اند، از این قرارند:

۱. طلاق، آیات ۱-۳.
۲. طلاق، آیات ۴-۷.
۳. بقره، آیات ۲۲۸-۲۳۲.
۴. احزاب، آیه ۴۹.
۵. بقره، آیات ۲۳۶-۲۳۷.
۶. بقره، آیه ۲۳۳.
۷. بقره، آیات ۲۲۴-۲۲۷.

در این آیات که بخش قابل توجهی از قرآن را به خود اختصاص داده‌اند، به مهم‌ترین موضوعات حقوقی و اخلاقی پرداخته شده است که ممکن است پس از طلاق به وجود آیند. این موضوعات، شامل قوانین طلاق، حقوق و تکالیف زن و مرد پس از طلاق و تکلیف فرزندان طلاق است. این قوانین بسیار جامع است و به مهم‌ترین اختلاف‌نظرهایی که ممکن است پس از طلاق به وجود آمده و نیازمند قانون‌گذاری باشد، پرداخته است؛ از این رو، می‌تواند به‌منزله پایه‌ای برای نوشتن قوانین طلاق، مورد استفاده حقوق‌دانان قرار گیرد.

۱۳. حسینی و حسینی جهان‌آباد، «بازخوانی و تأویل آیات شهادت (گواهی)؛ با تمرکز بر آیه ۲۸۲ سوره بقره»، ۴۱-۴۴.  
۱۴. علی‌محمد میرجلیلی، عباس کلانتری خلیل‌آباد و محمد شریفی، «تحلیلی بر دیدگاه تفسیری قرآن به قرآن علامه طباطبایی (ره)»، کتاب قیم ۲، شماره ۷ (مهر ۱۳۹۱): ۵۳؛ برای اثبات مطلب بیان‌شده در این بند، مقاله را مطالعه کنید.

اگرچه سفارش‌های اخلاقی قرآن در باب طلاق نیز، بسیار معقول و کارآمد است، در این مقاله، بیشتر از جنبه حقوقی به آیات نگریسته شده است. همچنین، در این مقاله فقط به بررسی آیه ۱ سوره طلاق و آیات ۲۲۹ و ۲۳۰ سوره بقره که به کلیت قوانین طلاق پرداخته‌اند، بسنده می‌شود.

## الف. طلاق، آیه ۱

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا».

### لغات

عِدَّة: مدت مشخصی پس از تصمیم بر جدایی است که در آن مدت، زن حق ازدواج با فرد دیگری ندارد.

أَحْضُوا: شمارش را تمام کنید.

**ترجمه:** ای پیامبر! هنگامی که خواستید زنان را طلاق گوئید، با [نگاه داشتن] عده طلاقشان گوئید و حساب عده را داشته باشید و از خدا پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی! و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این، پیشامدی پدید آورد.

### توضیحات

الف: اینکه آیه با خطاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» شروع شده است، اشاره می‌کند که طلاق باید در نزد پیامبر و در نتیجه در دوران کنونی از طریق قانون انجام پذیرد.

ب: إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ: منظور از «إِذَا طَلَّقْتُمُ» این است که «چون خواستید طلاق دهید، با نگاه داشتن عده طلاق دهید»؛ همانند آیه ۹۸ سوره نحل که می‌گوید: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ چون خواستی قرآن بخوانی...»، یا آیه ۶ سوره مائده که می‌گوید: «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...؛ چون خواستید نماز بخوانید...».

پ: «لِ» در «لِعِدَّتِهِنَّ» به معنی «باء» است؛ یعنی با نگاه داشتن عده طلاق دهید. سپس می‌گوید: «وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ؛ حساب عده را داشته باشید». به دیگر سخن، «تا پایان مدت عده صبر کنید».

ج: فقط در صورتی که دلیل طلاق، فحشای آشکار زن باشد، نیازی به نگاه داشتن عده نیست.

چ: «لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا؛ نمی‌دانی، شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد». در این قسمت با اشاره لطیفی، فلسفه عده را بیان می‌کند؛ بی‌شک، با هم زندگی کردن پس از طلاق، از تصمیم‌های شتاب‌زده جلوگیری می‌کند و فرصتی برای اندیشیدن بیشتر است.

#### ب. طلاق، آیات ۲۲۹-۲۳۰

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَبِيحًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۲۹) فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۳۰)

#### لغات

طلاق: از نظر راغب، اصل معنای طلاق، نداشتن عهد و پیمان است.

إِمْسَاكٌ: مِسْكٌ وِإِمْسَاكٌ به معنای گرفتن و نگاه داشتن است.

معروف: شناخته‌شده؛ کار خوب.

تَسْرِيحٌ: سَرَحٌ و تَسْرِيحٌ هر دو به معنای رها کردن است.

حَدٌّ: مرز. واسطه میان دو چیز که از اختلاط آن دو جلوگیری می‌کند. «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا»<sup>۱۵</sup> آنهاست مرزهای خدا، پس به آنها نزدیک نشوید». حدود الله، حرام و حلال یا خط قرمزهای خداست. «حدود الله در این آیات به معنای مرزهای خانوادگی و زوجینی

است».<sup>۱۶</sup>

اَفْتَدَتْ بِهِ: عوض داده شود با آن. فدی: عوض.

**ترجمه:** طلاق دو [مرحله‌ای] است. پس از آن یا [باید زن را] به‌خوبی نگاه داشتن یا به شایستگی [همراه با نیکی به او] رها کردن؛ و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی بازستانید. مگر آنکه [طرفین] در به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند. پس اگر بیم دارید که آن دو، حدود خدا را برپای نمی‌دارند، در آنچه زن به‌عنوان عوض پیردازد، بر آن دو گناهی نیست. این است حدود خداوند؛ پس از آن تجاوز نکنید. کسانی که از مرزهای خداوند تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند؛ و اگر [شوهر] او را طلاق گفت، پس از آن دیگر [آن زن] برای او حلال نیست تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند. پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت، اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که حدود خداوند را برپا می‌دارند، گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازگردند؛ و اینها حدود خداوند است که آن را برای قومی که می‌دانند، بیان می‌کند.

### توضیحات

الف: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ؛ طلاق دو مرحله‌ای است»؛ مرحله اول، اعلام قصد جدایی است که پس از آن باید زن عده نگه دارد و مرحله دوم وقوع جدایی است.

ب: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فِيمَا سَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ؛ طلاق دو [مرحله‌ای] است؛ پس از آن یا [باید زن را] به‌خوبی نگاه داشتن یا به شایستگی [همراه با نیکی به او] رها کردن».

پس از پایان دو مرحله طلاق، یا زندگی مشترک ادامه می‌یابد یا از یکدیگر جدا می‌شوند.

ب: «وَلَا يَجُلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ و برای شما حلال نیست که از آنچه به آنان داده‌اید چیزی بازستانید، مگر آنکه [طرفین] از به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند؛ پس اگر بیم دارید که آن دو حدود خدا را برپای نمی‌دارند، در آنچه زن به‌عنوان عوض پیردازد، بر آن دو

۱۶. جعفر هوشیاری، حسن شکوری و سید مجید حسینی کوهساری، «حدود و مرزهای روان‌شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتمل بر واژه حدود الله»، *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۷، شماره ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹): ۱۱.

گاهی نیست. این است حدود احکام الهی. پس، از آن تجاوز مکنید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند».

۱. منظور از «مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ» همه هزینه‌هایی است که مرد در هنگام زندگی با همسرش به او پرداخته است یا به پرداخت آن متعهد شده است؛ مانند اجر، مخارج زندگی یا هر دارایی دیگری که از روی احسان و علاقه به همسرش داده است.

۲. آوردن عبارت «إِنْ خِفْتُمْ» که مخاطب آن همه افراد و در نتیجه قانون است، نشان می‌دهد که تشخیص اجرا شدن یا نشدن حدود الهی در بین همسران، بر عهده قانون است.

۳. با توجه به اینکه در هنگام ازدواج، قرار است استمتاع تا پایان عمر ادامه داشته باشد و در صورت طلاق، گاهی ممکن است این توقف بسیار زود اتفاق افتد یا در مواردی که زن مرتکب فحش‌های آشکاری شده است، شکستن حدود الهی از طرف زن صورت گرفته باشد و... در این آیه بیان شده است که در هنگام طلاق، نه دادن مقداری پول از طرف زن به مرد ایرادی دارد و نه پس گرفتن مقداری از آن، از طرف مرد.<sup>۱۷</sup>

## ۵. کلیت دیدگاه تفاسیر شیعه و سنی در باب طلاق و نقد آنها

پیش از بیان نظریات تفسیری، برخی اصطلاحات رایج در قوانین طلاق و نظریات تفسیری را تعریف می‌کنیم. گفتنی است که هیچ یک از این اصطلاحات در متن قرآن نیامده است؛ همه آنها ریشه در روایاتی دارند که به موضوع طلاق پرداخته‌اند. مفسران شیعه و سنی که بنا بر شیوه رایج، روایات را مکمل قرآن فرض نموده‌اند، در تفاسیرشان، برای فهم قرآن از این قوانین بهره جسته‌اند. در این مقاله که به قرآن به‌عنوان یک متن کامل، منسجم و هماهنگ می‌نگرد، هیچ کدام از این عبارات و قوانین مرتبط با آنها جایگاهی ندارند.

## الف. اصطلاحات و قوانین رایج در قوانین کنونی طلاق

**حق طلاق مرد:** اختیار طلاق در دست مرد است؛ مرد هر وقت بخواهد می‌تواند همسر خود را طلاق دهد و لزومی ندارد که دلیل خاصی برای تصمیم خود بیان کند.

**طلاق رجعی:** واژه رجعی از رجوع به معنای بازگشت می‌آید و به این معناست که در طلاق

۱۷. مطالب این بند، به فهم نگارنده از آیه ۲۴ سوره نساء، آیات ۲۳۶ و ۲۳۷ سوره بقره و آیه ۱۹ سوره نساء وابسته است که همگی در این مقاله آمده است: حسینی و حسینی جهان‌آباد، «ارزیابی جواز قرآنی ازدواج موقت در آرای تفسیری فریقین؛ با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن»، ۶۵-۹۷.

ارزیابی فهم مفسران فریقین از آیات طلاق با تأکید بر ... / حسینی ۱۵۱

رجعی، پس از طلاق تا پایان مدت عدّه، برای شوهر حق رجوع و بازگشت به وضعیت زوجیت وجود دارد؛ یعنی شوهر می‌تواند پس از طلاق، در ایام عدّه، به قصد رجوع، با نوشتن چیزی یا انجام کاری مثل خریدن هدیه برای همسرش، بگوید از طلاق منصرف شده است و می‌خواهد با همسرش همچنان زندگی کند.

**طلاق بائن:** طلاق بائن در نقطه مقابل طلاق رجعی قرار دارد؛ یعنی برعکس طلاق رجعی، بعد از طلاق، هر چند زن باید عدّه نگهدارد، اما در مدت عدّه، زن و شوهر نمی‌توانند از جدایی پشیمان شوند.

**طلاق خُلْع:** اگر مردی نخواهد همسر خود را طلاق دهد و همسر او مایل به طلاق باشد، اگر مرد با بخشیدن مهریه از طرف همسرش نیز راضی به طلاق نشود، زن می‌تواند مقدار دیگری پول به مرد بپردازد تا همسرش او را طلاق دهد.

**طلاق مُبارات:** مبارات به معنی بیزار شدن از یکدیگر است. تفاوت این طلاق با طلاق خلع این است که در مبارات بیزاری زن و شوهر دو جانبه است. در این شیوه جدید طلاق، همسران باید بر سر همه موضوعات، مانند مهریه، جهیزیه، حضانت و... توافق کنند.

**سه طلاقه کردن:** حکم سه طلاقه کردن زن این است که اگر مردی سه بار همسرش را طلاق دهد، آن دو نمی‌توانند به یکدیگر رجوع کنند، مگر اینکه زن با مرد دیگری ازدواج کند و از او طلاق بگیرد.

#### ب. مقایسه نظریات تفسیری شیعه و سنی

در دادن حق طلاق به مرد، طلاق خُلْع و سه طلاقه کردن، بین مفسران شیعه و سنی اختلاف نظر جدی دیده نمی‌شود؛ فقط برخی فرقه‌های اهل تسنن بر این باورند که هنگام سه طلاقه کردن زن، هر سه طلاق را می‌توان در یک جلسه انجام داد. البته، در جزئیات قوانین، اختلاف نظرهایی وجود دارد که به موضوع این مقاله ربطی ندارد. از این رو، منظور از نظریات رایج در این مقاله، نظریات علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان* و نظریه امام فخر رازی در *تفسیر مفاتیح الغیب* است.

#### پ. ارزیابی نظریات رایج تفسیری پیرامون آیات طلاق

نقد نظریات رایج تفسیری را در سه مرحله انجام می‌دهیم. در مرحله اول کلیت نظریات رایج

تفسیری پیرامون طلاق، نقد می‌شود. در مرحله دوم ایرادات وارد بر ترجمه فولادوند<sup>۱۸</sup> که بر پایه نظریات رایج تفسیری انجام شده است، بیان می‌شود. در مرحله سوم، دلایل قرآنی مفسران برای دادن حق طلاق به مرد بیان شده و سپس با فرض درستی اصول این مقاله رد می‌شود.

### مرحله اول: نقد کلیت نظریات رایج تفسیری

درباره کلیت نظریات رایج تفسیری شیعه و سنی می‌توان گفت که مفسران شیعه و سنی، مطابق با شیوه رایج در زمان خودشان که روایات را مکمل قرآن می‌دانسته‌اند، تلاش نموده‌اند همان مفروضاتی که از روایات در ذهن خود داشته‌اند، از آیات قرآن نیز استخراج کنند؛ از این رو با این فرضیه پیش رفته‌اند که آیات ۲۲۹ و ۲۳۰ سوره بقره در صدد بیان انواع طلاق و قوانین آنها است. در این مقاله، ایرادات وارد بر چنین نظریاتی را با پایبندی به روش تفسیری این مقاله، بیان خواهیم کرد.

### الف. طلاق: ۱

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا».

درباره عبارت «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ»، در تفاسیر گوناگون، به استناد روایات، حرف «ل» در «لِعِدَّتِهِنَّ» را به معنی زمان و وقت دانسته و گفته‌اند: «مقصود این است که زن در زمانی طلاق داده شود که به محض وقوع طلاق وارد زمان عدّه شود». با مفروضات تفاسیر یادشده، لازم است طلاق نیز در این آیه به معنی طلاق رجعی باشد؛ زیرا نگاه داشتن عدّه، برای انواع دیگر طلاق مفهومی ندارد. این آیه در ترجمه خواندنی قرآن که هم بر پایه نظریات رایج تفسیری انجام شده و هم تلاش نموده که گویا باشد، بدین گونه ترجمه شده است: «پیامبر، وقتی تو و مسلمانان می‌خواهید زنانتان را طلاق رجعی بدهید، در روزهای پاک‌بی‌آمیزش طلاقشان بدهید. حساب عدّه را هم دقیق نگهدارید. صاحب اختیاران خدا را در نظر بگیرید و شرط‌های طلاق را رعایت کنید...».

در این آیه جور درآمدن مفهوم آیه، در ترجمه آیه، واژه «رجعی» صرفاً به سبب وجود حرف «ل» در «لِعِدَّتِهِنَّ»، به ترجمه «فَطَلَّقُوهُنَّ» اضافه شده است؛ این در تناقض با این اصل است که

۱۸. محمد مهدی فولادوند، ترجمه قرآن مجید (تهران: دارالقرآن الکریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی»)، ۱۳۷۶.

قرآن را در دلالت خود مستقل می‌داند. می‌توان گفت برای گویا شدن ترجمه، مترجم محترم چاره‌ای نداشته است، جز اینکه واژه «رجعی» را به ترجمه آیه اضافه نماید.

**پرسش:** از پژوهشگران محترم خواهشمند است به این نکته بیندیشند که اگر آن پیش‌فرض‌های روایی نبود، آیا امکان داشت که مترجم و مفسر قرآن، از وجود حرف «لِ» در «لِعِدَّتِهِنَّ» چنین نتیجه‌ای بگیرد؟!

### ب. طلاق، آیات ۲۲۹-۲۳۰

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ\* فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَتَكَحَّ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»

این نظریات در قالب چند پرسش، نقد خواهند شد:

**پرسش ۱:** در عبارات «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ...» در آیه ۲۲۹، برخی «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ» را به صورت «طلاق دو بار است» ترجمه کرده و به استناد روایات، کلمه «طلاق» در این قسمت آیه را به معنای «طلاق رجعی» گرفته‌اند. ایرادات این ترجمه چیست؟

**پاسخ:** این ترجمه دو ایراد دارد:

الف: واژه طلاق با «ال»، بر عموم دلالت دارد. از این رو، نسبت دادن نوع خاصی از طلاق به آن - اگر وجود داشته باشد - جای بحث دارد.

ب: با این دیدگاه، هیچ ارتباط منطقی بین «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ» و «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» وجود ندارد؛ حال آنکه عبارت دوم با حرف عطف «فَ» شروع شده است؛ اما با ترجمه پیشنهادی این مقاله، ارتباط منطقی دو قسمت آیه به خوبی حفظ می‌شود.

**پرسش ۲:** از عبارات «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» در آیه ۲۲۹، برخی به استناد روایات گفته‌اند که از این آیه «طلاق خلع» نتیجه می‌شود؛ ایراد این برداشت چیست؟

**پاسخ:** از متن این آیه، چیزی درباره طلاق خلع فهمیده نمی‌شود؛ اینکه حق طلاق با مرد است نیز نتیجه نمی‌شود؛ حتی هیچ اشاره‌ای وجود ندارد که نشان دهد، پس دادن مال از طرف زن به مرد، در ازای گرفتن طلاق است.

**پرسش ۳:** در عبارات «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَكَحَّ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتَلَكَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» در آیه ۲۳۰، عبارت «فَإِنْ طَلَّقَهَا»؛ «پس اگر شوهر او را طلاق گفت»، «طلاق» را به معنای «طلاق سوم» گرفته‌اند. ایراد آن چیست؟

**پاسخ:** هیچ شاهد متنی که کلمه «طلاق» در این قسمت آیه را، به معنای طلاق سوم بگیریم، وجود ندارد و فقط برای اینکه حکم سه‌طلاقه کردن زن - که در روایات آمده است - از آن نتیجه شود، این قسمت آیه اینگونه ترجمه شده است.

### مرحله دوم: نقد ترجمه فولادوند

از آنجا که ترجمه فولادوند بر پایه نظریات رایج تفسیری انجام شده است، برای نقد نظریه رایج، ایرادات وارد بر ترجمه فولادوند بیان می‌شود. افزون بر این، فولادوند بخش‌هایی که در متن آیات نیست و به منظور فهم آیات به ترجمه اضافه شده است را داخل کروشه قرار داده است؛ از این رو برای نقد نظریات رایج تفسیری مناسب‌تر است. گفتنی است این ایرادات بر ترجمه‌های دیگری که بر پایه نظریات تفسیری انجام شده است نیز، وارد است.

#### ۱- طلاق، آیه ۱

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتَلَكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا».

**ترجمه فولادوند:** ای پیامبر، چون زنان را طلاق گویند، در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گویند و حساب آن عده را نگهدارید و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی؛ و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این، پیشامدی پدید آورد. (۱)

## ایرادات

۱- طلاق دادن در زمان بندی عده، فقط در طلاق رجعی مفهوم دارد، زیرا در طلاق خلع، مبارات و بائن که در نظریات رایج تعریف شده است، عده هیچ مفهومی ندارد.

۲- با توجه به مطالب بند پیشین، در این آیه، برای کامل شدن مفهوم آیه باید گفته می‌شد: «ای پیامبر! چون زنان را طلاق [رجعی] گویند، در [زمان بندی] عده طلاقشان گویند و...»؛ یعنی، لازم است که بدون هیچ شهادی در متن، دو کلمه کلیدی «رجعی» و «زمان بندی» به آیه اضافه شود تا مفهوم آن با برداشت‌های رایج سازگار شود. این در تناقض با این اصل است که قرآن باید در دلالت خود مستقل باشد.

## ۲- بقره، آیات ۲۲۹-۲۳۰

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ \* فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَتَكَحَّ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ».

**ترجمه فولادوند:** طلاق [رجعی] دو بار است. پس از آن یا [باید زن را] به خوبی نگاه داشتن یا به شایستگی آزاد کردن. برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی بازستانید. مگر آنکه [طرفین] در به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند. پس اگر بیم دارید که آن دو، حدود خدا را بر پای نمی‌دارند، در آنچه [زن برای آزاد کردن خود] فدیة دهد، گناهی بر ایشان نیست. این است حدود [احکام] الهی؛ پس از آن تجاوز نکنید. کسانی که از حدود [احکام] الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند؛ (۲۲۹) و اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق گفت، پس از آن، دیگر [آن زن] برای او حلال نیست تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با او همخوابگی نماید]. پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت، اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که حدود خدا را بر پا می‌دارند، گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر باز گردند. اینها حدود احکام الهی است که آن را برای قومی که می‌دانند، بیان می‌کند. (۲۳۰)

## ایرادات

۱. در آیه ۲۲۹، هیچ شاهد متنی که نشان دهد منظور از طلاق، طلاق رجعی است وجود

ندارد.

۲. کلمه «طلاق» با «ال»، بر عموم دلالت دارد؛ از این رو، نسبت دادن نوع خاصی از طلاق به آن - اگر وجود داشته باشد - جای بحث دارد.

۳. در دو آیه پشت سر هم بدون هیچ شاهد متنی، کلمه «طلاق» یک بار به معنای طلاق رجعی و یک بار به معنای طلاق سوم گرفته شده است. چنین ترجمه و برداشتی، بدون استناد به احادیث، ناممکن بوده و محال است کسی بتواند از متن آیات، به چنین نتیجه‌ای دست یابد. این شیوه، نه تنها در تناقض با دلالت استقلالی قرآن است، بلکه به فرض بلاغت قرآن نیز خدشه وارد می‌کند.

۴. غیر از عبارت «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ» که به نوعی به عدد ۲ اشاره دارد و تکلیف آن مشخص شد، نگاهی کلی به آیات نشان می‌دهد که این آیات - حتی اگر انواعی از طلاق و تعددی در دفعات آن وجود داشته باشد - اصلاً در صدد بیان تعداد طلاق‌ها و انواع آن نیست. از نظر مفهومی، وقتی هنوز سخن از نگاه داشتن عدّه است، چه جایی برای بیان انواع طلاق است؟!

### مرحله سوم: رد دلایل قرآنی برای دادن حق طلاق به مرد

در هیچ جای قرآن، سخنی از دادن حق طلاق به مرد به میان نیامده است. در کتاب شخصیت و حقوق زن در اسلام، روایات و دلایل قرآنی بیان شده در تفاسیر برای دادن حق طلاق به مرد، بیان شده است؛ گفتنی است دلایل روایی نیز در همان کتاب بررسی و نقد شده است.<sup>۱۹</sup> در این مقاله، فقط دلایل قرآنی مفسران را بیان می‌کنیم؛ سپس با اصول این مقاله رد می‌کنیم. این دلایل از این قرارند:

**دلیل اول:** «بسیاری از آیات قرآن، ضمن بازگو کردن احکام طلاق، مردان را مخاطب و آنها را مورد امر و نهی قرار داده است. این آیات به صورت ضمنی گوشزد می‌کند که مرد حق طلاق دارد؛ وگرنه می‌بایست از خطاب مشترک استفاده شود یا زنان نیز مانند مردان مورد خطاب قرار گیرند».<sup>۲۰</sup>

**پاسخ:** برای رد این دلیل، کافی است نگاهی به آیات طلاق بیندازیم و ببینیم که:

الف: آیه ۱ طلاق که بیان کلیت قانون طلاق است، با عبارت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» شروع شده

۱۹. مهریزی، شخصیت و حقوق زن، ۴۴۳-۴۶۳.

۲۰. مهریزی، شخصیت و حقوق زن، ۴۴۳.

است و از همان آغاز، خیال همه را راحت کرده است که در زمان پیامبر، شخص پیامبر مسئول اجرای حکم طلاق بوده است. از این رو، در زمان کنونی مسئول اجرای طلاق قانون است و از این آیه نمی‌توان چنین حقی را برای مردان نتیجه گرفت.

ب: آیه ۴۹ سوره احزاب با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده است و مخاطب آیه، هم زن و هم مرد است؛ سفارش‌های آیه نیز، مرتبط با هر دو جنس است.

پ: در آیه ۲۲۹ سوره بقره، عبارت «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ» حالت مصدری دارد.

ت: در آیات طلاق، ده بار از عبارت «حُدُودَ اللَّهِ» استفاده شده است. گویی، درباره طلاق، نگرانی جدی از اجرا نشدن عدالت از طرف مردان، نسبت به همسر مطلقه وجود دارد. همچنین، در موارد گوناگونی به مردان سفارش شده است که در هنگام طلاق، مراعات حقوق و حتی احساسات زنان را بنمایند؛ وقتی به مردان سفارش می‌شود که مراعات حقوق زنان را بنمایند، آیا می‌شود که زنان را مخاطب آیه قرار دهد؟!

یادآوری می‌شود که در سرتاسر قرآن فقط دوازده بار از عبارت «حدود الله» استفاده شده است و ده بار آن در آیات طلاق است.

**دلیل دوم:** «در آیات قرآن، برای زنی که طلاق گرفته است، از واژه «مُطَلَّقة» با صیغه اسم مفعول یاد شده است که نشان می‌دهد طلاق‌دهنده مرد است».<sup>۲۱</sup>

**پاسخ:** از موافقان این نظریه می‌توان پرسید که در آیه ۲۱ سوره نساء می‌گوید: «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»؛ و بیان می‌کند که زن از شوهرش پیمان محکمی گرفته است؛ آیا از اینکه در هنگام ازدواج، زن از مرد پیمان می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که حق ازدواج با زن است؟!

واقعیت امر این است که ازدواج پیمانی عاطفی - حقوقی است که بین زن و مردی بسته می‌شود. در قرآن، برای بخش عاطفی آن به سفارش‌های اخلاقی بسنده شده است. برای بخش حقوقی است که قانون و ضابطه وجود دارد. از نظر حقوقی، مرد است که تعهدات مالی را می‌پذیرد. از این رو، در هنگام ازدواج، زن گیرنده پیمان است و نقش فاعلی دارد؛ اما مرد کسی است که از او تعهد گرفته می‌شود و نقش مفعولی دارد. در هنگام طلاق، برعکس است؛ مرد فاعل است و زن مفعول؛ زیرا مرد از تعهداتی که نسبت به همسرش پذیرفته بود، دست

می‌کشد و از این رو «طالق» نامیده می‌شود؛ اما زن فردی است که تعهداتی که نسبت به او پذیرفته شده بود، از بین می‌رود؛ از این رو «مطلّقة» نامیده می‌شود.

## ۶. چکیده‌ای از نتایج به دست آمده از آیات طلاق

چکیده قوانینی که درباره کلیات قوانین طلاق به دست آمد، از این قرار است:

الف: فقط یک نوع طلاق وجود دارد که در دو مرحله انجام می‌گیرد:

**مرحله اول:** با شروع دوران عده، روابطی که با ازدواج حلال شده بود، قطع می‌شود.

**مرحله دوم:** پس از سپری شدن دوران عده، جدایی به طور کامل انجام می‌شود.

پس از گذراندن دو مرحله طلاق، آن زن و مرد، حق ازدواج با یکدیگر را نخواهند داشت، مگر اینکه زن با فرد دیگری ازدواج کند و از او طلاق بگیرد.

ب: در این دیدگاه، مفاهیم طلاق دوم، سوم، بائن، مبارات، خلع و سه طلاقه کردن زن، هیچ جایگاهی ندارد.

پ: ازدواج پیمانی است که زن و مردی با هم بسته‌اند و هر زمان یکی از آنها تمایل داشته باشد، می‌تواند برای شکستن پیمان اقدام کند. به عبارت دیگر، زن و مرد از حقوق برابری برای پایان دادن به پیمان ازدواج، یعنی طلاق، برخوردار هستند.

## ۷. نتیجه و بحث

در پایان چند نکته برای پژوهشگران:

**نکته ۱.** با در نظر گرفتن فهم پیشنهادی این مقاله از آیات طلاق، می‌توان برای طلاق، به کلیاتی معقول دست یافت که می‌تواند به منزله پایه‌ای برای رسیدن به قوانینی کارآمد مورد استفاده قرار گیرد. با این وصف، چه نیازی است به اینکه، برای فهم آیات طلاق، از روایات کمک بگیریم و بدون هیچ شاهد متنی، در بخش‌های مختلف آیات، طلاق را به معانی گوناگون در نظر بگیریم؟!

**نکته ۲.** از پژوهشگران محترم، خواهشمند است:

الف: نیم‌نگاهی به مقالات زیر بیندازند:

«گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام»؛<sup>۲۲</sup>

«مطالعه تطبیقی طلاق در فرهنگ جاهلیت و قرآن با تکیه بر بسترهای معرفتی».<sup>۲۳</sup>

در این مقالات، از قوانین طلاق در جاهلیت، سخن به میان آمده است. ملاحظه می‌شود که قوانین کنونی طلاق، همچون دادن حق طلاق به مرد، طلاق خلع و رجعی همگی رد پای محکم در قوانین جاهلیت قبل از اسلام دارند.

ب: به این نکته نیز توجه فرمایند که بدون روایات طلاق، محال است که کسی از متن قرآن، به‌تتهایی، بتواند قوانین کنونی طلاق را استخراج کند.

سپس، بیندیشند که آیا این امکان وجود ندارد که سنت‌های دوران جاهلیت، از طریق روایات، وارد فرهنگ مسلمانان شده و بر فهم مفسران از آیات قرآن اثر گذاشته باشد؟

**نکته ۳.** به منظور برطرف شدن دغدغه علاقه‌مندان به روایات، به کارشناسان علوم قرآن و حدیث پیشنهاد می‌شود به بازبینی دوباره منابع روایی خود پردازند. بعید نیست اگر با نگاهی نو به همان منابع پیشین بنگرند، تأییداتی بر نظریه بیان شده در این مقاله نیز بیابند.

## سپاسگزاری

با توجه به اینکه این مقاله از کتاب آماده چاپ جنسیت و پیوندهای انسانی: نگرشی نو و قرآن‌محور استخراج شده است، نگارنده از خانم بی‌بی زهرا حسینی به دلیل مشاوره‌های ارزشمند ایشان در زمینه زبان عربی طی سالیان گذشته و همچنین مشارکت مؤثرشان در نگارش این کتاب، تقدیر و تشکر می‌کند.

۲۲. مهدی پیشوایی و فریده پیشوایی، «گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام»، تاریخ در آینه پژوهش ۷، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۹): ۴۹-۷۴.

۲۳. جلیل پروین، پریا نوری خسروشاهی، محمدعلی مهدوی راد و علی صفری، «مطالعه تطبیقی طلاق در فرهنگ جاهلیت و قرآن با تکیه بر بسترهای معرفتی»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث ۱۴، شماره ۲۸ (بهار و تابستان ۱۴۰۰): ۴۵-۷۳.

## سیاهه منابع

### الف-منابع فارسی:

#### قرآن کریم.

پروین، جلیل، پریا نوری خسروشاهی، محمدعلی مهدوی راد و علی صفری. «مطالعه تطبیقی طلاق در فرهنگ جاهلیت و قرآن با تکیه بر بسترهای معرفتی»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث ۱۴، شماره ۲۸ (بهار و تابستان ۱۴۰۰): ۴۵-۷۳.

پیشوایی، مهدی و فریده پیشوایی. «گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام»، تاریخ‌درآینه پژوهش ۷، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۹): ۴۹-۸۴.

جعفرپور، حمدالله، علی رضایی کهنمویی و محمدعلی ربی‌پور. «مسئله طلاق با بیان ظرائف بلاغی اسالیب شرط در قرآن کریم»، زن و مطالعات خانواده ۱۵، شماره ۵۸ (زمستان ۱۴۰۱): ۷-۲۵.  
حسینی، فاطمه سادات و بی‌بی زهرا حسینی جهان‌آباد. «ارزیابی جواز قرآنی ازدواج موقت در آرای تفسیری فریقین؛ با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن»، دین و دنیای معاصر ۱۰، شماره ۱ (مرداد ۱۴۰۲): ۶۵-۹۷.

حسینی، فاطمه سادات و بی‌بی زهرا حسینی جهان‌آباد. «بازخوانی و تأویل آیات شهادت (گواهی)؛ با تمرکز بر آیه ۲۸۲ سوره بقره»، تأویلات قرآنی ۳، شماره ۶ (شهریور ۱۴۰۰): ۳۷-۶۵.  
حق‌پور، نیما. «اثبات حق طلاق زنان در قرآن و توضیح معنای الطلاق مؤثران»، <http://www.3danet.ir/>. ۱۳۹۵.

حکمت‌نیا، محمود و مریم احمدیه. «بررسی لزوم شرط «معروف» و «احسان» در حکم طلاق»، مطالعات زن و خانواده ۷، شماره ۲ (پاییز ۱۳۹۸): ۶۹-۸۸.  
خدادادپور، منیره و احمد دیلمی. «سوءاستفاده از حق طلاق و راهکارهای قانونی مقابله با آن»، خانواده‌پژوهی ۵، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۸): ۷۳-۹۲.

زارعان، منصوره. «فراتحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت‌شده در دهه اخیر)»، پژوهش‌های مشاوره ۱۶، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۶): ۱۳۵-۱۴۶.

شیرزاد، محمدحسن. «چالش (نا) برابری جنسیتی در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از «الرِّجَالُ عَلَىٰ نِسَائِهِمْ دَرَجَاتٌ» با رویکرد تفسیر تطبیقی»، مطالعات تفسیر تطبیقی ۹، شماره ۱۷ (شهریور ۱۴۰۳): ۱۲۲-۱۴۵.

طباطبایی، سید محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

فخر رازی، محمدبن عمر. *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

ارزیابی فهم مفسران فریقین از آیات طلاق با تأکید بر ... / حسینی ۱۶۱

- فدایی، احسان. «بررسی تحلیلی الگوی رفتارهای پیشنهادی قرآن در موضوع طلاق»، پاسخ ۴، شماره ۱۶ (اسفند ۱۳۹۸): ۱۳۵-۱۶۰.
- فولادوند، محمدمهدی. ترجمه قرآن مجید. تهران: دارالقرآن الکریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی»، ۱۳۷۶.
- گرچی، فهیمه و مجید معارف. «جهت‌گیری‌های اخلاقی آیات طلاق در قرآن»، پژوهش دینی ۱۹، شماره ۴۰ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۱۷۷-۲۰۵.
- مستقیم، مهدیه سادات. «ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق؛ در سه حوزه اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی»، مطالعات راهبردی زنان ۱۱، شماره ۴۳ (بهار ۱۳۸۸): ۹۳-۱۲۴.
- مکوند، محمود و باقر عباسی فرد. «مطالعه زبان‌شناختی تعبیر قرآنی سراحاً جمیلاً»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث ۲۰، شماره ۳ (پاییز ۱۴۰۲): ۱۶۶-۱۹۲.
- مهریزی، مهدی. شخصیت و حقوق زن در اسلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
- میرجلیلی، علی محمد، عباس کلانتری خلیل‌آباد و محمد شریفی. «تحلیلی بر دیدگاه تفسیری قرآن به قرآن علامه طباطبایی (ره)»، کتاب‌قیم ۲، شماره ۷ (مهر ۱۳۹۱): ۵۳-۸۲.
- هوشیاری، جعفر، حسن شکوری و سید مجید حسینی کوهساری. «حدود و مرزهای روان‌شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتمل بر واژه حدودالله»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده ۷، شماره ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹): ۷-۳۰.